نوع مقاله: پژوهشی
10.61186/mth.13.26.49
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳
پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷



# بازنمایی هویت در آثار هنرمندان عکاس و نقاش معاصر ایران

**فرشته دیانت***

## چکیده

هویت از جمله موضوعات موردتوجه هنر معاصر است. هنرمندان ایرانی نیز سعی کرده‌اند تا این مسئله را در آثارشان مورد بررسی قرار داده و با توجه به چالش‌های پیش رو، به نحوی هویت را مورد بازخوانی قرار دهند. لذا این مقاله بر آن است تا به پاسخگویی این پرسش که بازنمایی هویت در آثار هنرمندان عکاس و نقاش معاصر ایرانی در پی بیان چه هدفی صورت گرفته است؟ و آیا این بازنمایی از تفاوت‌های جنسیتی نیز برخوردار است؟ نائل آید. نتیجه‌ای که از تبیین آثار حاصل شد مبنی بر آن است که تمامی هنرمندان فارغ از جنسیت، بازنمایی و پرداختن به هویت، مسئله اصلی‌شان بوده‌است؛ اما اهداف هنرمندان زن و مرد از این بازنمایی متفاوت است. از جمله اینکه هنرمندان زن اغلب سعی داشته‌اند تا به‌طور پیوسته به مسائل و مشکلات فرهنگی هویت که از تجربه زیستهٔ آن‌ها نشأت گرفته و در جامعهٔ سنتی با آن روبه‌رو بوده‌اند، بپردازند. این در حالی است که هنرمندان مرد این موضوع را به شکل کلی‌تر و فارغ از جنسیت مورد بررسی قرار داده و هویت به معنای عام و ناسیونالیستی آن مدنظرشان بوده است؛ اما آثار هر دو گروه بر ضمنی بودن معنا دلالت دارد. هدف از انجام این تحقیق، ضمن تبیین و تحلیل نشانه‌های صریح و ضمنی در آثار هنرمندان، توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های بارز و آشکار در مسئله بازنمایی هویت است. رویکرد این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات مربوط به چهارچوب مفهومی به روش کتابخانه‌ای و عکس‌ها و اطلاعات مربوط به آثار عکاسی از منابعی چون وب‌سایت شخصی و در مواردی از آرشیو شخصی هنرمندان گردآوری شده‌اند. عکس‌ها و نقاشی‌های این مقاله با توجه به پرسش پژوهش و نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند.

پرتال جامع علوم انسانی

**کلید واژها**: هنر معاصر، هویت، عکس، نقاشی، هنرمندان ایرانی

* استادیار، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا، تهران.
f.dianat@alzahra.ac.ir

## مقدمه

ورود به قرن بیست‌ویک و هم‌زمان با مطرح‌شدن پدیدهٔ جهانی‌شدن، مسائل پیرامون هویت، رنگ و شکل تازه‌ای یافتند. فرهنگ و هویت از جمله مطالب مورد اهمیت جامعه‌شناسی بوده‌اند، لذا در هنر که بی‌ارتباط با مسائل جامعه و نمودهای فرهنگی نیست نیز به هویت پرداخته شده است. از آنجا که هنر معاصر جدای استفاده از رسانه‌ها فرم‌ها و مواد نوآورانه‌اش (همانند بدن، رسانه و ویدئو) با هویت پیوند دارد، بازنمایی هویت در آثار بسیاری از هنرمندان ایرانی نمود یافته است. هنرمندان معاصر همواره سعی داشته‌اند تا هویت را در آثارشان مورد بررسی قرار دهند. به‌ویژه هنرمندان مهاجر و ساکن در جغرافیا و سرزمین‌های دیگر که همواره در کشمکش هویت مبدأ و مقصد قرار دارند. یا هنرمندان زنی که اگر چه مراتب مدرن شدن و گذار از سنت را طی کرده‌اند به واسطهٔ جامعه، هنوز با هویتی سنتی شناخته می‌شوند یا هویتی کلی بر آن‌ها تفویض می‌گردد. اگر چه مطالعات فرهنگی امروزه به مباحث هویت می‌پردازد، اما کمتر پژوهشی به بررسی این مهم و تجزیه و تحلیل آن به‌ویژه تفاوت بازنمایی آن در آثار هنرمندان زن و مرد معاصر ایرانی به صورت تطبیقی پرداخته است. دلایل هنرمندان زن و مرد معاصر ایران، از بازنمایی هویت متفاوت است، لذا این مقاله در تلاش است با طرح این پرسش که هدف از بازنمایی هویت در آثار هنرمندان معاصر ایرانی چه بوده است و آیا این بازنمایی در آثار مربوط به هنرمندان زن و مرد از ماهیت جنسیتی برخوردار است، به تبیین این امر در آثار پیش‌رو بپردازد. هنرمندان نیز همانند جامعه‌شناسان مفاهیم و معضلات پیچیده در بطن لایه‌های فرهنگی را شناسایی کرده و هر کدام به شیوه و روش خودشان آن را واگویه می‌کنند. اگر چه اهداف و روش هنرمندان از بازنمایی هویت متفاوت است، این بررسی و مطالعه تطبیقی به آشنایی با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی زنان در جامعه سنتی و تلاش هنرمندان برای نمایش و به پرسش کشیدن آن کمک می‌کند. یافته‌های این مطالعه و نتایج بررسی آن، همچنین مدل تحلیلی داده‌های این پژوهش در جداول ارائه شده است و تصاویر با توجه به پرسش پژوهش و نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند.

## پیشینهٔ پژوهش

مجید اخگر در مقالهٔ «جهانی‌شدنِ ایرانی شدن: تأملی دربارهٔ صحنه اخیر ایران» (۱۳۸۹)، به تحلیل جایگاه هنر معاصر ایران، جهانی‌شدن و هویت ایرانی- اسلامی می‌پردازد. شکیبا شریفیان و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه بازنمایی هویت در نقاشی‌های آبستره غیرفیگوراتیو عراقی» (۱۳۹۵)، به معرفی نقاشی آبسترهٔ عراقی و پرداختن به ویژگی و منبع الهام هنرمندان مدرن عراقی پرداخته است؛ بدین ترتیب، شریفیان و همکاران در این مقاله بر آن هستند تا هویت روایت‌شده در نقاشی‌های آبسترهٔ عراقی را واکاوی کرده و به عواملی که درون‌مایه و محتوای آثار مذکور را تشکیل داده‌است، بپردازند. ماه‌منیر شیرازی و اشرف‌السادات موسوی لر در مقاله‌ای با عنوان «بازیابی لایه‌های هویتی در هنر دوره قاجار» (۱۳۹۶)، به شناسایی و معرفی لایه‌های هویتی از جمله ایران باستان، ایرانی- اسلامی، فرنگی مآبی و اسلامی در هنر دوره قاجار می‌پردازد. کاظم خراسانی و اصغر کفشچیان مقدم در مقالهٔ «بازنمایی هویت معاصر ایرانی- اسلامی در هنر معاصر ایران» (۱۳۹۶) به بررسی به‌کارگیری مفاهیم ملی و مذهبی برای جذب مخاطب و حضور در عرصهٔ هنر جهانی می‌پردازند. علت تأکید بر هویت ملی و مذهبی در آثار هنرمندان ایران در عرصهٔ جهانی را جهانی‌شدن هنر معاصر ایران قلمداد می‌کند. این مقاله به بررسی تعداد محدودی از آثار عکاسی، ویدئو و خط، با رویکرد جذب مخاطب و حضور در بازارهای بین‌المللی پرداخته است. محمدرضا مریدی در یک فصل از کتاب «هنر اجتماعی» (۱۳۹۸) به بازنمایی هویت در آثار نقاشان معاصر ایران پرداخته است و به این نتیجه تأکید می‌کند که هنر معاصر بر تجربیات مکانی هنر و هنرمند اثر مبتنی است و این برخلاف هنر مدرن است؛ و آنچه موجب معاصر شدن هنر می‌گردد، طرح چالش با هویت مبتنی بر معاصر بودن است نه لزوماً استفاده از تکنیک یا ابزار جدید. آنچه این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، نه‌تنها نمونه آثار متفاوت بلکه رویکرد تطبیقی هویت، در آثار هنرمندان زن و مرد به ویژه در دو شاخه عکاسی و نقاشی است.

## روش پژوهش

این پژوهش، کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. از این هنرمندان پنج نفر زن و چهار نفر مرد بوده‌اند. اطلاعات مربوط به چهارچوب مفهومی به روش کتابخانه‌ای و عکس‌ها و اطلاعات مربوط به آثار عکاسی از منابعی چون وب‌سایت هنرمندان و گالری‌ها و در مواردی از آرشیو شخصی هنرمندان گردآوری شده‌اند. در این پژوهش دوازده مجموعه از یازده هنرمند عکاس و نقاش معاصر ایرانی که موضوع هویت را در صدر کار خود قرار داده‌اند و با اهداف این مقاله نیز همخوانی داشته‌اند، مورد بررسی قرارگرفته است.

نمونه‌های موردی: شادی قدیریان، شیرین نشاط، سحر مختاری، خسرو حسن‌زاده، ندا رضوی‌پور، ایمان افسریان،

امین نورانی، شهره مهران و احمد مرشدلو. آثار این هنرمندان با توجه به سؤال اصلی پژوهش در ارتباط با بازنمایی هویت و برمبنای معاصر بودن انتخاب شده‌اند.

## ادبیات تحقیق

### هویت و هنر معاصر

هویت[۱] در زبان فارسی به معنی آن چیزی است که موجب شناسایی شخصی یا چیزی می‌شود (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۱۷۷). رویکرد فلاسفه به هویت از بن‌مایهٔ فلسفی نشأت گرفته و همگی بر این امر که خودشناسی عالی‌ترین مقصد و منظور تحقیق فلسفی است، اتفاق‌نظر دارند (کاسیرر، ۱۴۰۰: ۲۳). از این منظر هویت به معنای چه کسی بودن است (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۲). هویت زمانی پدیدار می‌شود که انسان با غیر، مواجه شود و این غیر عبارت است از فرد یا جامعه‌ای دیگر (چلبی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). زمانی که انسان انسجام خود را از دست می‌دهد، پرس‌وجو و شگفتی درباره هویت انسان به خط پایان می‌رسد (مورن، ۱۳۸۴: ۲۷). گیدنز[۲] معتقد است که هویت یک مفهوم چند بعدی بوده و به این برداشت که مردم چگونه افرادی هستند و چه چیزی برای آن‌ها معنادار است، ارتباط دارد. از جمله منابع مهم هویت می‌توان از جنسیت، جهت‌گیری تمایلات جنسی، ملیت یا قومیت و طبقهٔ اجتماعی نام برد. در هویت اجتماعی، خصوصیاتی از طرف سایرین به فرد نسبت داده می‌شود. در واقع این ویژگی‌های نسبت‌داده‌شده هستند که تعیین می‌کنند که هر فرد، اساساً کیست. درنتیجه هویت‌های اجتماعی بُعد جمعی دارند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۵). تورن[۳]، هویت را هستی و وجودی از آدم‌ها تلقی می‌کند که در جستجوی راه‌های جدید و تازه برای معنابخشیدن به حضورشان در جهان است (تورن، ۱۴۰۲: ۷). از جمله عواملی که هویت و توجه به آن را ضروری جلوه می‌دهد پدیده جهانی‌شدن[۴] است که در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دنیای معاصر پدیدار گشته است (بابایی‌فرد، ۱۳۹۳: ۲۳). جهانی‌شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی حاکم گشته، از بین رفته و مردم به شکل فراگیری از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند (وارتز، ۱۳۷۹: ۱۲). علوم اجتماعی، فلسفه و هنر با هم در تلاش‌اند تا از امور پیش‌پاافتاده و معمول زندگی روزمره اسطوره‌زدایی کرده و انسان‌ها را به‌عنوان موجوداتی اخلاق‌گرا به تغییر جهان تشویق کنند تا آن را تغییر داده انسانی‌تر کنند (Heller, 1985: 42)؛ اما آنچه در هنر معاصر مورد تأکید است، مکان و همچنین جغرافیای فرهنگی و سیاسی است؛ بنابراین بی‌راه نیست اگر بگوییم هنر معاصر در جست‌وجوی هویت است. هنر معاصر جدای استفاده از رسانه‌ها فرم‌ها و مواد نوآورانه‌اش (همانند بدن، رسانه و ویدئو) با هویت پیوند دارد. هویت‌ها بر مکان دلالت دارند؛ مانند ایرانی بودن که بر جغرافیای معین دلالت دارد؛ اما در عصر جهانی‌شدن منظور از هویت در هنر معاصر چیست؟ (مریدی،۱۳۹۸: ۱۹۳). مفهوم جدید هویت در واقع روایت دیگری از فرایند خودیابی است که شرایط اجتماعی دنیای مترقی در تقویت آن نقش به سزایی دارد. این فرایند یکی از عوامل فعال تغییر و تبدیل‌هایی است که در جامعه متجدد به چشم می‌خورد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ در واقع می‌توان به این امر اشاره داشت که ارزش‌ها و هویت‌های انسانی ضمن آن که به جهان، جامعه و روابط اجتماعی معنا می‌دهد، از مهم‌ترین منابع نگرش‌ها و کنش‌های انسانی هستند که بروز اختلال در آن‌ها منجر به بروز بحران در هویت فردی و اجتماعی می‌گردد (بابایی‌فرد،۱۳۹۳: ۲۱).

یوهان گوتلیب فیخته[۵] خویشتن یا من ناب را سرآغاز هر نوع آگاهی می‌پنداشت و بدین ترتیب نمونهٔ دیگری از تصویر سوژه مدرن را به دست داد. به نظر او اگر قرار بر آن باشد که تمامی قلمرو عالم اعیان، از جمله طبیعت و تمامی خودها را تا آنجا که اعیانی هستند برای یک ذهن، از من برین برآوریم، راه و گریزی نمی‌ماند به‌جز آنکه فقط بر یک من فرافردی معتقد شویم (گیدنز، ۱۳۹۵: ۷۵). فیخته بر این انگاره اگزیستانسیالیستی اصرار می‌ورزد که خویشتن عبارت است از آنچه کنش می‌کند و آن را می‌توان شناخت و نسبت به آن آگاهی پیدا کرد؛ و این خویشتن اصولاً تنها زمانی وجود دارد و معنا می‌یابد که کنش می‌کند. از نظر شوپنهاور[۶] زندگی انسان چیزی جز رنج نیست؛ اما همین رنج است که انسان را گرد هم می‌آورد تا با محروم کردن دیگری خود را کامکار کند (همان: ۷۸).

البته مسئله شتاب، موجب تغییر ضرب‌آهنگ زندگی گشته است. شتاب تکنولوژیک به شکل اجتناب ناپذیری گسترهٔ کاملی از دگرگونی‌ها را در کردارهای اجتماعی، ساختار ارتباطی و صورت زندگی پدید می‌آورد. درنتیجه در پدید آوردن الگوهای تازه‌ای از تعامل اجتماعی و حتی شکل‌های تازه‌ای از هویت اجتماعی بی‌تأثیر نبوده است (هارتموت، ۱۴۰۰: ۴۲). هابرماس[۷] اهمیت خاصی برای نقش رسانه در شکل دادن به هویت اجتماعی نوین قائل است. هابرماس نشان می‌دهد که در دنیای مدرن هویت انسانی مخدوش شده است. لذا رهایی انسان را رهایی از سیطرهٔ عقل‌ابزاری می‌دانست (اباذری، ۱۳۷۷: ۶۱). زیمل[۸] بخشی از آسیب‌شناسی

هویت را مربوط به ابزارهایی چون پول که مشخصاً خود از ویژگی فرهنگی برخوردار نبوده اما دارای پیامدهای فرهنگی هستند و هویت فردی و اجتماعی را تحت‌الشعاع قرارمی‌دهند، می‌دانست (کوزر، ۱۳۷۲: ۲۶۳). فروم[۹] معتقد است در نظام سرمایه‌داری، کارگران و کارفرمایان به‌طور یکسان در معرض بیگانگی قرار دارند؛ زیرا نیازهای اساسی آنان نظیر خلاقیت و هویت برآورده نمی‌شود. آنان در روابط خود با دیگران عمدتاً تحت تأثیر انگیزهٔ نفع شخصی قرار دارند، نه تحت تأثیر انگیزه‌هایی همچون عشق و محبت و امثالهم، آنان خود را در قالب تخصص خود مثلاً به‌عنوان پزشک، کارمند، کارگر، کارفرما و نظایر آن می‌بینند. در قالب انسان، هویت و شخصیت آنان در گرو شغلشان است، نه در گرو انسان بودن یا عضوی از جامعه انسانی(Fromm, 1975: 69) .

## تبیین آثار هنرمندان معاصری که به بازنمایی هویت پرداخته‌اند

### شادی قدیریان

او در مجموعهٔ «مثل هر روز»۱۳۷۹، از وسایل و ابزار آشپزخانه و زندگی روزمره در مقابل چهرهٔ زنی که تمام بدن و صورت او با چادر پوشیده شده، استفاده می‌کند (تصویر ۱). پس‌زمینه سفید، تمرکز بیننده را به موضوع اصلی افزایش می‌دهد. آنچه در عکس‌ها تغییر می‌کند طرح چادر و اشیائی است که او مقابل صورتش می‌گیرد؛ اما ماهیت جنسیت فرد مورد بازنمایی و همچنین اشیا که اغلب لوازم کاربردی آشپزخانه هستند ثابت است. حذف چهره و اندام با چادر و جایگزینی آن با لوازم آشپزخانه به معرفی و نمود هویت زن در جامعهٔ سنتی می‌پردازد. بدین شکل عکاس سعی دارد تا به انتقاد از تعاریف و انتظارات جامعه سنتی از نقش زن که مترادف با حذف و نادیده‌گرفتن ویژگی‌های شخصیتی او و همچنین تقلیلش به امور تکراری و روزمره است، بپردازد.

کنشگران عرصه جنسیت، شکل‌گیری نابرابری‌های جنسیتی را به نقش‌های متفاوت اجتماعی که بر آن‌ها تفویض می‌شود، مرتبط می‌دانند. کارکردگرایان معتقدند که دخترها و پسرها هویت‌های مردانه و زنانه را با این نقش‌ها آموزش می‌بینند. آنچه نباید نادیده گرفت این است که افراد منفعل نبوده و نقش‌ها را برای خود جرح و تعدیل می‌کنند، اما به هر حال هویت‌های جنسیتی تا حدی از تأثیرات و آموزش‌های اجتماعی منتج می‌گردند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۱۵۷ تا ۱۵۹). «مثل هر روز»، تقلیل و به حاشیه راندن زنان را با حذف نشانه‌های جنسیتی و با اشاره به فرایند شئ‌شدگی مطرح می‌نماید. به‌علاوه این مجموعه آثار، مقدمات گفت‌وگو در مورد ایدئولوژی مردسالار که زمینهٔ به حاشیه راندن زنان در فرهنگ و جامعه ایرانی را فراهم کرده، باز می‌گشاید (محمدی، ۱۴۰۱: ۱۵). قواعد زندگی روزمره بیش از آنکه مبتنی بر عقل سلیم و آگاهانه و اختیاری باشد، بر آمده از سرکوب است (نجات غلامی، ۱۳۹۳: ۱۴).

### شیرین نشاط

نشاط در مجموعه عکس «زنان الله» (تصویر ۳)، از چادر و حروف عربی برای پوشاندن بدن استفاده می‌کند، در این آثار هنرمندان زن اکثراً با دست خودشان، خودشان را محو کرده و با بهره بردن از تمهیداتی چون تار بودن تصویر، نادیده انگاری، حذف کردن و سرپوش گذاشتن، تسلط ایدئولوژی مردسالار را به نمایش می‌گذارند. قدیریان در مجموعهٔ «خارج از فوکوس» ۱۳۸۲(تصویر ۴) با پرتره‌هایی که محو شده و

تصویر ۱. مثل هر روز، قدیریان، ۱۳۷۹ ) (URL:1

یا تصویری غیرواضح از آن‌ها دیده می‌شود را به نمایش می‌گذارد. «این عدم وضوح به کمک جلوه‌های بصری یک خطای تکنیکی در عکاسی که منجر به کاهش عمق میدان در تصاویر شده، صورت گرفته است. کرمی نیز با خط زدن اندام زن با ماژیک یا گرفتن دست در جلوی دهان او، مخاطب را به آشنایی و تأمل درباره مصائب و نابرابری‌های جنسیتی و هویتی در قوانین، سنت‌ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی دعوت می‌کند» ( محمدی، ۱۴۰۰: ۱۹).

**سحر مختاری**

او در مجموعهٔ «بعد از ما» که در سال ۱۳۸۶ اجرا کرد به مسئلهٔ هویت گمشده می‌پردازد (تصویر ۵). در این مجموعه مکان‌های قدیمی را با عکس‌های افرادی که مربوط به همان دوره هستند ترکیب می‌کند و ما را با این پرسش که چه بر سر این مکان‌ها آمد یا این افراد کجا هستند روبرو می‌کند. «امروزه، فرصت‌های بسیاری برای آفرینش دوبارهٔ خویشتن و به‌وجودآوردن هویت خاص خودمان در اختیار داریم. ما، خود بهترین منبع برای تعریف این‌که کی هستیم، از کجا آمده و به کجا می‌رویم هستیم. تصمیم‌های ما در زندگی در شکل‌گیری هویت و کیستی ما مؤثر است. دنیای مدرن ما را وامی‌دارد تا خود را بیابیم. ما به‌واسطهٔ توانایی‌هایمان به‌عنوان موجودی خودآگاه، به شکلی دائم و پیوسته به خلق و بازتعریف هویتمان می‌پردازیم» (گیدنز، ۱۳۹۵: ۴۷).

این آثار یادآور پیوند قدرتمند دولت و سرمایه که به مرور زمان تعیین‌کنندهٔ روش و سبک زندگی است، هستند. زندگی تحت لوای ایدئولوژی جز نقاب چیزی نیست، پوششی است بر چهره افراد که به آن‌ها ربطی ندارد و همین امر در گمنامی

تصویر ۲، زنان الله، نشاط، ۱۳۷۵،(URL:2)

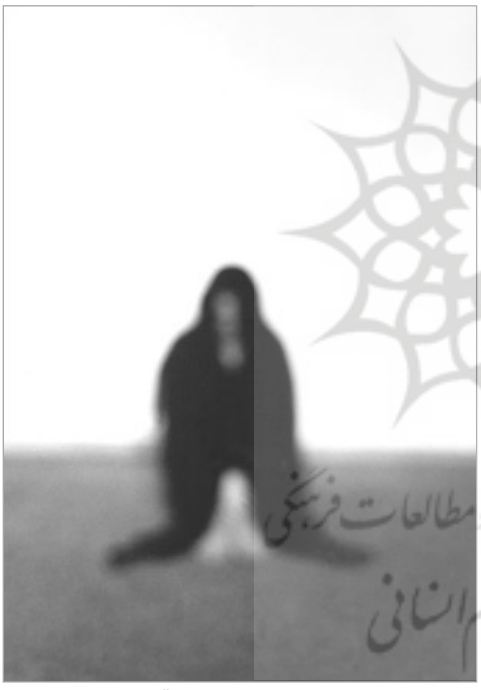

تصویر ۳. خارج از فکوس، قدیریان، ۱۳۸۲، (آرشیو شخصی نگارنده)

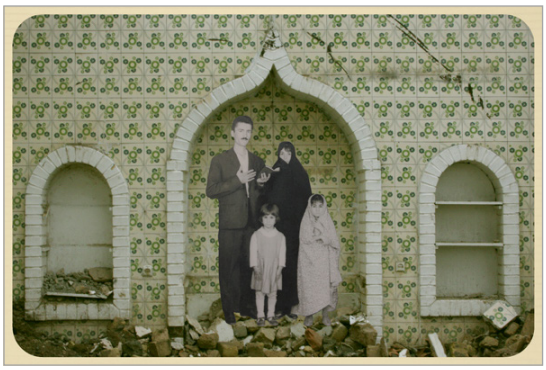

تصویر ۴. بعد از ما، مختاری، ۱۳۸۶، (URL:3)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و سرگشتگی هویت بی‌تأثیر نیست.«هنر در تلاش است تا این تفاوت‌ها، این امور جزئی را به امر کلی گره بزند و این جز با کلی‌گرایی ممکن نیست. چندپارگی هویتی فقط موقعیتی آسیب‌شناختی نیست که در برخی از موارد حاد وجود داشته باشد. این آسیب شامل حال همهٔ ما می‌شود و ممکن است هر کس به‌نوعی آن را تجربه کند. همین تجربه تعیین می‌کند تا چه حد افراد آزادی عمل دارند. اگر افراد بتوانند هویت فردی خود را تعریف کنند، آنگاه قانون، رسوم، بازنمایی‌ها و اشکال تغییر شکل دهنده قدرت و سازمان اجتماعی را بر آن‌ها تحمیل کرده و به‌این‌ترتیب فرد را از اصالت تهی می‌گرداند» (تورن، ۱۴۰۲: ۱۰۹).

**خسرو حسن‌زاده**

او از اعضای خانواده‌اش در سال ۱۳۸۳ عکاسی کرد و آن «تروریست» نام‌گذاری کرد (تصویر ۶). او با نمایش این مجموعه در تلاش است تا باور و برچسب هویتی کلیشه‌ای غرب از خاورمیانه را به پرسش درآورد. جنگ یا حداقل اندیشیدن به آن بخش اعظمی از زندگی ساکنان خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. تروریسم عنوانی است که عکاس، در ذیل تصویر مادر و خواهر خود، قرار داده است. زنانی که در کشوری زندگی کرده‌اند که هیچ زمان از سایه جنگ نیز در امان نبوده و بیش از هر کس دیگری با ماهیت مهیب و ویرانگر آن آشنا هستند. تروریست یعنی آدم کُش، افرادی که تروریست نام‌گذاری می‌شوند، کشتن را به‌عنوان یک مکتب به منظور رسیدن به هدف خود پذیرفته‌اند. حال کشورهای غربی تلاش می‌کنند تا مردم جهان سوم را با این نام هویت بخشی کنند. عدم ارتباط تصاویر با عنوان، تضاد این تصاویر را پررنگ کرده است. مادران و خواهران سرزمینی که بیش از هر فرد دیگری بهای جنگ و تروریست را با از دست دادن عزیزانشان و انتظار برای بازگشت آن‌ها پرداخته‌اند. او در این مجموعه به دنبال بازخوانی و بازتعریف هویت ایرانی است. «این آثار موجب چرخش به سمت مدرنیتهٔ تأملی است که افراد را نسبت به دنیای خویش هوشیار و منتقد ساخته و ما را با پرسش‌هایی چون چه باید کرد؟ به چه صورت باید عمل کرد؟ چگونه و چه کسی باید بود؟ روبرو می‌سازند» (بنت،۱۴۰۲: ۸۲).

تصویر ۶. تروریست (مادر و خواهر)، حسن‌زاده،۱۳۸۳، (URL:4)

**ندا رضوی‌پور**

«یادداشت‌های یک زن خانه‌دار» نام اثری است از ندا رضوی‌پور که تابستان ۸۸ در گالری اثر اجرا شد (تصویر ۷). در این مجموعه، عکس‌هایی از بخش‌های مختلف آشپزخانه مانند شیر آب، سینکِ ظرف‌شویی، کف آشپزخانه و یا ابزار و مواد مربوط به آشپزی مثل پیاز، چاقو و... روی چند صفحه ال‌سی‌دی که کنار هم قرار گرفته بودند، به نمایش درآمدند. این اثر به کارهای هرروزهٔ یک خانم خانه‌دار اشاره می‌کند. میلر[۱۰] از خانه به‌عنوان یکی از بهترین جایگاه‌های مطالعات فرهنگِ کالایی و مصرف که شناخته شده‌است، نام می‌برد. او به این اشاره دارد که در خانه‌های ایرانیان که زن بودن و مادر بودن تا حد زیادی با وسایل آشپزخانه، ظروف و وسایل منزل ارتباط دارد، ابژه‌ها در خانه نقش مهمی ایفا می‌کنند. «آنچه مهم می‌نماید آنکه ابژه‌ها فقط اشیائی مادی و مقاوم نبوده، بلکه فضایی ذهنی به شمار می‌روند که من بر آن تسلط دارم. چیزی که من با آن هویت پیدا کرده، آن را تحت مالکیت خود درآورده و موضوع علاقه و اشتیاق خود قرار می‌دهم» (بودریار، ۱۳۹۵: ۹۷). لوفور در این خصوص به این امر اشاره می‌کند که زندگی روزمره شرایطی از اتفاق‌های پرتکرار، وظایف کاری، تجربه‌های انسانی و ماشینی است (Lefebvre 1971: 33). مارکس یکی از نخستین افرادی

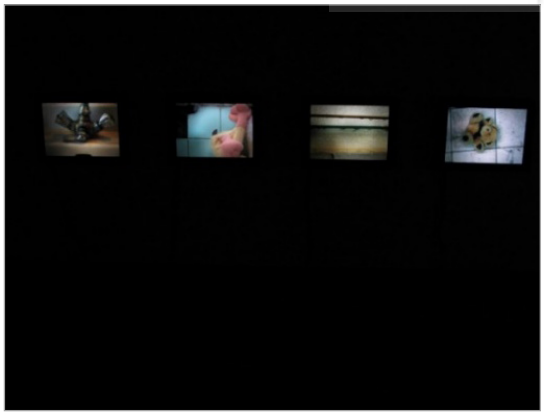

تصویر ۷. یادداشت‌های یک زن خانه‌دار، رضوی پور، ۱۳۸۸، (مجموعه شخصی نگارنده)

بود که به مفهوم ازخودبیگانگی ناشی از سلطهٔ نیروهای انتزاعی بر انسان، اشاره کرد. آگاهی کاذب که موجب تقلیل انسان به شئ و کالا می‌گردد و از این طریق آزادی او را به حالت بردگی می‌برد (زایدرفلت، ۱۴۰۱: ۷۸). «خانه‌داری، به شکل کنونی آن، با جدا شدن محل کار از خانه به‌وجود آمد. با رشد صنعت و از آنجا که کار واقعی بر اساس دریافت دستمزد تعریف می‌شد، کارهای خانگی به شکل نامرئی درآمد. از ابتدا و به شکل سنتی خانه‌داری قلمرو زنان تلقی می‌گشت، حال آن‌که حیطه کار واقعی در بیرون از خانه در اختیار مردان بود. در این مدل سنتی زنان، اکثر وظایف خانه‌داری را بر عهده داشته و مردان به‌واسطهٔ دریافت مزد، نان‌آور خانواده محسوب می‌شدند» (گیدنز، ۱۳۹۵: ۵۷۲).

**ایمان افسریان**

او در بخش عمده‌ای از نقاشی‌هایش بر جزئیاتی از خانه‌های قدیمی تمرکز می‌کند: آینه‌ای دوده گرفته، دیواری که نور خورشید به قسمتی از آن تابیده است (تصویر ۸). افسریان سعی دارد مفهوم دقیقی از ماهیت فضا و هویت را به نمایش بگذارد. آنچه در آثار او نخست چشم مخاطب را به خود خیره نگاه می‌دارد، وجود فضای رئالیستی آشنا و جاری از تجربهٔ زیسته است؛ که با ترکیب‌بندی منحصربه‌فردش معنایی دیگر از نقاشی رئالیستی را با مخاطبان خود به اشتراک می‌گذارد. غالباً نقاشی‌ها فضای داخلی خانه را به تصویر می‌کشند، با وسایلی جزئی و فاقد هرگونه ارزش مادی. پنجره‌ها، آینه‌ها و ...که تداعی‌کنندهٔ دلتنگی و نوستالژی‌اند و گویی بازگوکنندهٔ داستان‌هایی از صاحبان و هویت آن‌ها هستند. اشیا معمولی جا خوش کرده در چهارچوب اصلی کارهای افساریان، می‌کوشند کیفیتی زیباشناسانه را برای مخاطب خود خلق کنند. تعلق عمیق او به فضاها، اماکن و موضوعات انتخابی‌اش مسیر طولانی طی‌شده از گذشته تا کنون برای رسیدن به هویت امروزی را پیش می‌کشد و به‌طور پیوسته‌ای این سؤال که ما که هستیم، چرا و چطور از چیزی که بودیم فاصله گرفتیم را برایمان طرح می‌کند.

**امین نورانی**

نقاشی‌های او نیز با پرداختن به فضای داخلی خانه و ساکنین دهه‌های قبل سعی در بازنمود هویت ازدست‌رفته دارد. محیط زندگی، اشیا و آداب‌ورسومی که بر اثر گذشت زمان رنگ باخته و در دل زندگی مدرن جان باختند (تصویر ۹ و ۱۰). روابط خانوادگی اگر چه معمولی می‌نماید، کمتر به سوژه بدل می‌شوند. در مجموعهٔ «قلمرو ناامن» نقاش به فضای خانه و روابط خانوادگی می‌پردازد. آدم‌هایی که برای برگزاری مراسم یادبود با لباس مشکی که نشانهٔ عزادار بودن و غم از دست دادن است، دور هم جمع شده‌اند. عنوان این مجموعه با فضای خانه در تضاد است. اگر چه افراد کنار یکدیگر هستند اما چهره‌ها غم‌زده و افراد تنها به نظر می‌رسند. اگر چه همه چیز معمولی است اما هراسی غیرمعمولی در دل محیط به چشم می‌خورد. او در مجموعه ضیافت به مکان‌هایی که دیگر نه محل گردآوردی ساکنانش بلکه به محیط انزوای صاحب‌خانه بدل شده‌است، می‌پردازد. خانه‌های بزرگ، حضور راحت و صمیمی افراد در خانه، جمع‌های زنانه، فرش دستباف لاکی، گلدان‌ها و سفره‌های رنگین، چیزهایی است که در نقاشی‌های او از گذشته‌ای یاد می‌کند که با شروع زندگی مدرن جایشان خالی است؛ و به‌نوعی یادآور این سخن که تجربهٔ زندگی روزمره به‌موجب الگوهای نوین جهانی و تأثیر آن‌ها بر زمان و مکان دچار تغییر می‌شوند. مکان‌های زندگی روزمره که در گذشته به‌موجب اجتماعات قومی ایستا مرزبندی می‌شد، اکنون دچار تکثرگرایی شده و به‌واسطهٔ آمیختگی فرهنگی، پیوسته بازتعریف می‌شود (بنت، ۱۴۰۲: ۱۲).

تصویر ۸. بدون عنوان، افسریان، ۱۳۸۱، (مجموعه شخصی نگارنده)

**شهره مهران**

او در مجموعهٔ «باد» که در گالری اعتماد برگزار شد، به بازنمایی دختران دانش‌آموز دبیرستانی می‌پردازد. او در این آثار با حذف چهره‌ها، بیشتر بر لباس یکدست دختران که منجر به یکسان‌سازی و حذف بدن و نادیده گرفتن ویژگی‌های فردی و هویتی آن‌ها می‌شود، می‌پردازد (تصویر ۱۱). او در تلاش است تا بدنی را نشان دهد که در پارچه پوشانده شده و به انقیاد درآمده است. حرکت باد و بالا رفتن مقنعه، روی صورت دختران دانش‌آموز و واکنش‌ها و خنده‌های آن‌ها به این اتفاق، این مجموعه را رقم زد. «این آثار دربارهٔ این موضوع که ما که هستیم و از آنچه آن‌ها از ما می‌خواهند باشیم در تضاد است را بیان می‌کند. عبارت سنت با مفاهیمی چون عوامل فرهنگ و عقب‌ماندگی همراه است. این عقب‌ماندگی دارای ویژگی‌هایی مثل محدودیت پذیری در چهارچوب زندگی جامعه است» (جهانبگلو، ۱۳۸۶: ۶۴). «آزادی برای داشتن یک زندگی معنادار و فردی، مستقلاً ما را از هنجارهای اجتماعی نمی‌رهاند، این امر زمانی میسر است که در برابر سنت، انطباق‌گرایی و هر آنچه بر ما تأثیر می‌گذارد، به خود بگرویم. کاری است که در درون منازعه و به وسیلهٔ ساختن نهادهای منصفانه همراه با تلاش ما در مسیر سوژه‌شدگی ممکن است و نه در تنهایی صرف» (تورن، ۱۴۰۲: ۱۵۱).

**احمد مرشدلو**

او با تصویر کردن افراد متعلق به یک خانواده، مادری مهربان ولی منفعل، پدری بی‌حوصله و فرزندی آرزومند و درعین‌حال تنها؛ هویت خانواده ایرانی را زیر ذره‌بین نگاهش می‌برد (تصویر ۱۲)؛ جهانی که تا پیش از این در نقاشی ایرانی به تصویر کشیده نشده است. او می‌گوید اگرچه این آدم‌ها با الهام از اطرافیانش مصور شده‌اند، هیچ ارجاع مضمونی به آدم مشخصی در واقعیت نداشته و از منظر استعاری‌شان قابل‌فهم هستند. فیگورهای بهت‌زده، مغموم و غالباً فرودست شهری در دهه هشتاد، در نقاشی‌های مرشدلو مورد توجه هستند. او در این آثار خط‌خطی

تصویر ۹، قلمرو ناامن، نورانی، ۱۳۹۰، (URL:5)

تصویر ۱۰. ضیافت، نورانی، ۱۳۹۰، (URL:6)

تصویر ۱۱. بدون عنوان، مهران، ۱۳۸۰ (URL:7)

با خودکار به‌عنوان مدیوم نقاشی وجهی اغراق‌آمیزتر به فیگورها می‌دهد. در اثر حاضر که با همین تکنیک در اندازه‌ای بزرگ و در سه لته کار شده، به روابط خانوادگی سرد و در حال فروپاشی زن و مردی اشاره می‌کند که فرزندشان با حالتی مستأصل در میانه تابلو تصویر شده است. آدم‌ها در این اثر برخلاف ظاهر زمخت و هیبت نخراشیده‌شان، نازک طبع و حساس و شکننده می‌نمایند. «خودآگاهی و هویت ما از کنش‌ها، تجربیات و روابط و همچنین از چگونگی استقرار و نقش ما در جهان اجتماعی، از جمله جهان اشیا ناشی می‌گردد. تمامی تجربه‌های پشت سر گذاشته، گزینه‌های پیش رو، افرادی که آن‌ها را می‌شناسیم همگی ماده خام برای روایت‌های ممکنی که قادریم از خودمان به دست دهیم و داستان‌هایی که برای تعیین هویت‌مان بسازیم، هستند. بیگانگی از جهان و بیگانگی از خویشتن دو امر مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه دو روی یک سکه‌اند» (هارتموت، ۱۴۰۰: ۱۲۲). «انسان مدرن در دنیایی که همواره در حال فروریختن است، درمانده گشته. این‌گونه به نظر می‌آید که او در جامعه کثرت‌گرا با مشکلات متعددی برای تثبیت هویتش روبرو است. انسان مدرن با زندگی کردن بین قسمت‌های مختلف نهادی که هر کدام رفتاری متفاوت می‌طلبند، خودبه‌خود هویت متکثری پیدا می‌کند. فرد مدرن با حرکت بین بخش‌های نهادی، مجبور است نقش‌هایش را همانند لباسش عوض کند. درنتیجه، فاصله‌ای بین خودش و نقش‌هایش شکل می‌گیرد که این امر منجر به از دست دادن معنا گشته و واقعیتی که معمولاً ازخودبیگانگی نامیده می‌شود، رخ می‌دهد» (زایدرفلت، ۱۴۰۱: ۹۸).

با مطالعه و بررسی دقیق نمونه‌های انتخابی و تفکیک و تبیین آن‌ها، سه جدول زیر طراحی شده است. جدول شماره یک به تبیین آثار نام‌برده در پژوهش با در نظر گرفتن افراد و طبقه اجتماعی موردنظر هنرمندان، پیام ضمنی موردنظر هنرمند و چگونگی روش برای بیان و به تصویر کشیدن آن می‌پردازد. در ستون موقعیت اجتماعی، هنرمندان فارغ از جنسیت یا رشته (عکاس یا نقاش)، اکثراً به زن‌ها، دختران و خانواده و مکان زندگی طبقهٔ متوسط ایرانی پرداخته‌اند. در پیام ضمنی اثر اما تفاوت‌های جنسیتی هنرمندان در بازنمایی هویت و انتخاب این موضوع آشکار است. در حالی که اکثر هنرمندان زن، حذف و نادیده‌انگاری و عدم کرامت زن را در بازنمایی هویت مدنظر داشته‌اند، مردان بیشتر به هویت ملی پرداخته و معنای ضمنی آثارشان از ماهیت ناسیونالیستی برخوردار است. در ستون سوم به روش هنرمند برای بازنمایی هویت پرداخته شده است. زنان هنرمند فارغ از رشته، (عکاسی یا نقاشی) برای اشاره به محدودیت‌ها و عدم در نظر گرفتن کرامت انسانی زن در جامعهٔ مردسالار، حذف و پوشاندن بدن را انتخاب کرده‌اند؛ اما مردان هنرمند در مقابل، معنای ضمنی موردنظرشان را به‌طور واضح یا با انتخاب عنوان و یا بازنمایی صریح به تصویر کشیده‌اند. جدول شماره ۲ به مدل تحلیلی داده‌ها می‌پردازد. جدول شماره ۳ علت بازنمایی و پرداختن به موضوع هویت را در ۳ ستون بررسی می‌کند، هویت به معنای عام آن، کرامت زنانه و هویت ملی.

## مقایسهٔ تطبیقی بازنمایی هویت در آثار هنرمندان عکاس و نقاش معاصر ایرانی

۱. اگرچه علت و نحوهٔ بازنمایی هویت در آثار هنرمندان عکاس و نقاش از شباهت‌های ضمنی یکسانی برخوردار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۱۲، بدون عنوان، مرشدلو، ۱۳۹۳، (URL:8)

جدول ۱. تبیین نمونه‌های انتخابی در پژوهش

| نام هنرمندان | موقعیت اجتماعی موردنظر هنرمند | پیام ضمنی | روش |
|---|---|---|---|
| شادی قدریان ۱ (مثل هرروز) ۱ | زن طبقهٔ متوسط | حذف هویت زنانه | حذف صورت و بدن زنان، با پوشاندن کل بدن با چادر و گرفتن ابزار روزانه آشپزخانه مقابل صورت |
| شادی قدریان ۲ (خارج از فوکوس) | زن طبقهٔ متوسط | تعریف هویت زن در جامعهٔ سنتی | تار و محو کردن تصاویر، حذف و نادیده انگاری زنان در اجتماع |
| شیرین نشاط | زن طبقهٔ متوسط | حذف هویت زنانه | پوشاندن بدن با چادر و حذف بدن با نوشتار و استفاده از اسلحه که به‌نوعی به هویت مردانه اشاره دارد |
| سحر مختاری | خانوادهٔ طبقهٔ متوسط | هویت گم‌شده | بازنمایی مکان‌های قدیمی و ترکیب و کولاژ با افراد متعلق به همان مکان‌ها |
| خسرو حسن‌زاده (تروریست) | زنان ایرانی | هویت ملی | تعریف هویت ایرانی خارج از مرزها |
| ندا رضوی پور (یادداشت‌های یک زن خانه‌دار) | زن طبقهٔ متوسط | بازخوانی هویت زن | محدود کردن هویت زن به اشیا زندگی روزمره |
| ایمان افسریان | مکان و ابژه‌های مورد استفاده طبقهٔ متوسط | هویت فراموش‌شده | بازنمایی مکان و ابژه‌هایی که ارجاع به گذشته و هویت ایرانی دارند |
| امین نورانی | مکان و افراد طبقهٔ متوسط | هویت فراموش‌شده | بازنمایی مکان و افرادی که ارجاع به گذشته و هویت ایرانی داشتند |
| شهره مهران | دختران دبیرستانی | هویت زن | حذف چهره و بدن در متن اجتماع |
| احمد مرشدلو | خانواده طبقهٔ متوسط | هویت | بازنمایی افراد خانواده در قاب‌های جداگانه |

(نگارنده)

جدول ۲. مدل تحلیلی داده‌های این پژوهش

| اهمیت بخشی | کنش‌ها | هویت‌سازی | روابط و پیوندها | نظام معرفتی |
|---|---|---|---|---|
| هویت | بازنمایی زنان با استفاده از روش‌های مختلف چون پوشاندن چهره و بدن با چادر، ماژیک، محو کردن، حذف کردن، قرار دادن ابژه‌ها به‌جای او. در آثار مردان، مجموعه آثار با وضوح کامل بوده و مسئلهٔ هویت در شکل کلی آن مطرح است. | در آثار زنان هنرمند، مسئله هویت اکثراً به نادیده‌انگاری هویت زنانه و ایدئولوژی مردسالار انتقاد دارد. در آثار هنرمندان مرد، آثار به هویت ملی و نقد مدرنیته می‌پردازد. | تنهایی افراد، حذف و نادیده‌انگاری زنان و نشانه‌های جنسیتی، بازنمایی مکان‌ها و روابط نوستالژیک، بازیابی خاطرات گذشته | انتقادی، فمینیستی، نوستالژیک |

(نگارنده)

جدول ۳. تقسیم‌بندی معنای ضمنی هویت در نمونه‌های انتخابی

| هویت | هویت زنانه | هویت ملی |
|---|---|---|
| سحر مختاری | شادی قدیریان | خسرو حسن‌زاده |
| ایمان افسریان | کتایون کرمی | _ |
| امین نورانی | شیرین نشاط | _ |
| احمد مرشدلو | ندا رضوی پور | _ |
| _ | شهره مهران | _ |

(نگارنده)

است اما علت این بازنمایی در آثار هنرمندان زن و مرد متفاوت است.

۲. اکثراً زنان در بازنمایی با محتوای هویت، رویکردی فمینیستی و انتقادی داشته‌اند. این در حالی است مفهوم هویت در مجموعه آثار هنرمندان مرد محتوای نوستالژیک داشته و بر امر ازدست‌رفته غبطه می‌خورد.

۳. در آثار هنرمندان زن (عکاس و نقاش) معمولاً چهره یا بدن حذف شده است. در حالی اکثر هنرمندان مرد برای تأکید بر هویت معاصر به ابژه‌ها و مکان‌ها پرداخته‌اند. در موارد استثنایی که زن برای بازنمایی استفاده شده تأکید بر هویت جمعی و ملی یا هویت فراموش‌شده به‌طور کلی بوده است.

۴. مردان و زنان هنرمند از مکان و اشیا مصرفی برای بازخوانی هویت بهره برده‌اند. اشیا در عکس‌های هنرمندان زن به بازتعریف هویت زنان، در نگاه جامعه سنتی می‌پردازد. این در حالی است که در آثار هنرمندان مرد اشیا، بیانگر دغدغه جنسیتی نیستند.

۵. در بیشتر مجموعه‌هایی که زنان ارائه داده‌اند فارغ از رشته آن‌ها (عکاسی یا نقاشی)، تلاش برای انتقاد از محدودیت‌های اجتماعی زنان با محتوای کرامت زنانه مدنظر بوده است. در بیشتر مجموعه‌هایی که مردان کار کرده‌اند، نقد مدرنیته و ارجاع به هویت ملی یا کرامت انسانی مورد توجه بوده است.

۶. در آثار هر دو گروه، نقش تجربهٔ زیسته پررنگ است.

۷. عکس‌ها و نقاشی‌ها در آثار هنرمندان زن و مرد بر ضمنی‌بودن معنا اشاره دارد.

## نتیجه‌گیری

از زمانی که انسان به صورت فردی و یا اجتماعی نسبت به هویت و ارزش‌های خود و دیگران آگاهی پیدا کرد، مسئلهٔ هویت و بحران آن در جوامع انسانی پدیدار شد. هنر معاصر نیز به هویت می‌پردازد و هویت یک امر مکان‌مند است. این مکان‌مندی فرصتی برای خرده‌فرهنگ‌ها نیز فراهم می‌کند؛ و این، از ویژگی‌های هنر پسامدرن است. توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و توجه به تنوع و تکثر فرهنگی، نوعی مقاومت در برابر اسطوره، جریان اصلی هنر است. آثار این هنرمندان برای بازنمایی و تأکید بر هویت و چالش‌های آن تلاشی هستند برای تأکید بر خاص‌گرایی فرهنگی ایران که به معنی تلاش برای جست‌وجوی هویت ایرانی است؛ اما این آثار صرفاً در مرزهای ناسیونالیستی رخ نداده و در مرزهای فرهنگی جدیدی مانند جغرافیای فارسی زبانان و جغرافیای خاورمیانه و جغرافیای جهان اسلام در حال اتفاق است. به اعتقاد گیدنز هویت یک مفهوم چند بعدی بوده و به این برداشت که مردم چگونه افرادی هستند و چه چیزی برای آن‌ها معنادار است، ارتباط دارد. از آنجا که پیش از این گفتیم پرداختن به امر هویت در آثار هنرمندان زن و مرد معاصر عکاس و نقاش از تجربهٔ زیسته آن‌ها حاصل شده و دارای معناهای ضمنی است، زنان هنرمند در این آثار مفاهیمی چون عدم کرامت، فرودستی، حذف و نادیده‌انگاری هویت زنانه را مدنظر داشته‌اند. به این منظور آن‌ها از روش‌های مختلفی چون سانسور، پوشش بدن و حذف چهره و اندام بهره برده‌اند. آثار آن‌ها اکثراً تلاشی برای بازاندیشی در مورد هویت زنان است. زنان هنرمند در این مجموعه‌ها با نگاه به شرایط واقعی به دور از تعارفات تغزلی و آرمانی به بیان مشکلات و درگیری‌های روزمره‌شان پرداخته‌اند. مردان هنرمند اما در پی بیان مسائل جنسیتی نبوده و با این آثار تنها به مسئلهٔ هویت به شکل کلی آن که دربرگیرنده مفهوم نوستالژی یا هویت ملی رنگ‌باخته است، پرداخته‌اند. در واقع در بیشتر مجموعه‌هایی که مردان کار کرده‌اند، نقد مدرنیته و ارجاع به هویت ملی مورد توجه بوده است. آنچه در آثار مردان و زنان در خصوص هویت، یکسان به نظر می‌رسد، آن است که نقش تجربهٔ زیسته در آثار هر دو جنس، پررنگ است. به‌علاوه عکس‌ها و نقاشی‌ها در آثار هنرمندان، فارغ از جنسیت بر ضمنی بودن معنا دلالت دارد. آنچه در پژوهش‌های آتی می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد، مسائل مورد توجه هنرمندان در کشورهای پیشرفته، در ارتباط با هویت است و اینکه این تفاوت‌های آشکار آثار مردان و زنان در بازنمایی هویت که در آثار هنرمندان مرد و زن ایران نمود یافته است، آیا در جوامع مدرن صنعتی نیز مانند جوامع سنتی پررنگ است.

## پی‌نوشت

1. Identity
2. Anthony Giddend(1938-) جامعه‌شناس بریتانیایی
3. Alain Touraine(1925-2023) جامعه‌شناس فرانسوی
4. Globalization
5. Johann Gottlieb Fichte(1762-1814) فیلسوف آلمانی
6. Schopenhauer(1788-1860) فیلسوف آلمانی
7. Jurgen Habermas(1929-) جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی
8. Georg Simmel(1858-1918) جامعه‌شناس آلمانی
9. Erich Fromm(1900-1980) روانکاو و جامعه‌شناس آلمانی
10. Henry Valentine Miller(1891-1980) نویسندهٔ امریکایی

## منابع و مآخذ:


- اباذری، یوسف (۱۳۷۷). **خرد جامعه‌شناسی**. تهران: رواق.
- اخگر، مجید (۱۳۸۹). جهانی شدنِ ایرانی شدن: تأملی درباره صحنه اخیر ایران به تحلیل جایگاه هنر معاصر ایران. *حرفه هنرمند*. ۳۳. ۳۰-۱۰.
- بابایی‌فرد، اسدالله (۱۳۹۳). **بحران هویت در جامعه معاصر ایران**. تهران: چاپخش.
- بنت، اندی (۱۴۰۲). **فرهنگ و زندگی روزمره**. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. چاپ پنجم، تهران: اختران.
- بودریار، ژان (۱۳۹۵). **نظام اشیا**. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
- تورن، آلن (۱۴۰۲). **برابری و تفاوت**. ترجمه سلمان صادقی زاده، چاپ سوم، تهران: ثالث.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۶). **موج چهارم**. چاپ سوم، تهران: نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸). **هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران**، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- خراسانی، کاظم و کفشچیان مقدم، اصغر (۱۳۹۶). بازنمایی هویت معاصر ایرانی- اسلامی در هنر معاصر ایران. *هنر و تمدن شرق*. سال ششم (۲۱)، ۳۰-۲۳.
- زایدِرفِلت، آنتوان (۱۴۰۱). **جامعه انتزاعی**. ترجمه محمود عبدالله‌زاده. چاپ سوم، تهران: ثالث.
- شریفیان، شکیبا؛ محمدزاده، مهدی، حسین، عبدالرحمن و حسین محمود (۱۳۹۵). مطالعه بازنمایی هویت در نقاشی‌های آبستره غیرفیگوراتیو عراقی. *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، ۱ (۲)، ۵۶-۴۱.
- شیرازی، ماه‌منیر و موسوی لر، اشرف‌السادات. (۱۳۹۶). بازیابی لایه‌های هویتی در هنر دوره قاجار (مطالعه موردی روی کاشی‌های دوره قاجار). *نگره*، ۱۲(۴۱)، ۲۹-۱۷.
- کاسیرر، ارنست (۱۴۰۰). **فلسفه صورت‌های سمبلیک**. ترجمه یدالله موقن، جلد دوم، تهران: هرمس.
- کوزر، لیوئیس (۱۳۷۲). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گیندز، آنتونی (۱۳۸۷). **تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- ---------- (۱۳۸۸). **مدرنیت، زمان. فضا**. ترجمه حامد حاجی حیدری، چاپ اول، تهران: اختران.
- ---------- (۱۳۹۵). **چشم اندازهای جهانی**. ترجمه محمدرضا جلایی پور، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- مشیری، مهشید (۱۳۶۹). **فرهنگ زبان فارسی**، تهران: انتشارات.
- محمدی، آرام (۱۴۰۱). **عکاسی معاصر ایران** (تحول نگاه عکاسانه به واقعیت از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰). چاپ اول، تهران: آبان.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶). **دموکراسی و هویت ایرانی**: بحثی در ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی ایران و ایران‌شناسی، تهران: کویر.
- مریدی، محمدرضا (۱۳۹۸). **هنر اجتماعی**. چاپ اول، تهران: دانشگاه هنر.
- مورن، ادگار (۱۳۸۴). **سرشت انسان**. ترجمه عباس باقری، تهران: علم.

- نجات غلامی، علی (۱۳۹۳). **فلسفه، شهر و زندگی روزمره**. تهران: تیسا.
- وارتز، مالکوم (۱۳۷۹). **جهانی‌شدن**. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- هارتموت، رزا (۱۴۰۰). **شتاب و بیگانگی**، ترجمه حسن پورسفیر، چاپ چهارم، تهران: آگه.

- Fromm, E.(1975). **The Crisis of Psychoanalysis**. Newyourk: Fawett World Library.
- Lefebvre, H. (1971). **Everyday Life in the Modern World**. London: Allen Lane The Penguin Press.
- Heller, A. (1985). **The power of shame: A Rational Perspective**. London: Routledge and Kegan Paul.
- URL 1: https://sid.ir/paper/267693/fa.(access date: 2023/11/24).
- URL 2: www.chiilick.com.(access date: 2023/11/23).
- URL 3: www.saharmokhtari.com.(access date :2023/11/23).
- URL 4: http://darz.art.(access date: 2023/11/24).
- URL 5: http://darz.art.(access date: 2023/11/20).
- URL 6: http://darz.art.(access date: 2023/11/19).
- URL 7: http://darz.art.(access date: 2023/11/19).
- URL 8: http://darz.art.(access date: 2023/11/15).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 2024/01/13
Accepted: 2024/03/17



# Identity Representation in the artworks of Contemporary Iranian Photographers and Painters

**Fereshteh Dianat***

## Abstract

Identity is one of the topics of interest in contemporary art. Iranian artists have also tried to examine this issue in their works and reinterpret the identity in some way given the upcoming challenges. Therefore, this article aims to investigate what the representation of identity in the works of contemporary Iranian photographers and painters intends to express. And that is there a significant difference among male and female artists in the representation of identity. The findings revealed that irrespective of their gender, identity is important for both male and female artists, however, they follow different objectives. Among them, female artists have often tried to continuously address the cultural issues and identity problems faced in traditional society. This is even though male artists have examined this issue in a more general way regardless of gender. This study examines the works of contemporary male and female artists, photographers, and painters. The purpose of this research is to explain and analyze explicit and implicit signs in the works of artists and pay attention to obvious differences in the issue of identity representation. The approach of this research is qualitative and descriptive-analytical. The information related to the conceptual framework was collected using the library method and the photos and information related to the photographic works were collected from sources such as personal websites and in some cases personal archives of the artists. The images of this article (photos and paintings) have been selected according to the research question and targeted sampling.

**Keywords**: Identity, Contemporary art, Iranian artists, Photography, Painting.

* Assistant Professor, Department of Graphic Design, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.
*f.dianat@alzahra.ac.ir*